



مطالعه تطبیقی فرم و نقش ظروف فلز و آبگینه در سده‌های ۵ و ۶ هجری قمری

سیده شیما حسینی* علی وندشعاری**

چکیده

۳۱ در دوره سلجوقی، پایداری سیاسی و اجتماعی بر ایران حاکم شد و این امر، گسترش هنرهای متعدد از جمله هنر فلزکاری و آبگینه‌سازی را به دنبال داشت. تولید ظروف کاربردی توسعه یافت. هم‌زمانی، هم‌مکانی و کاربردی بودن این ظروف، موجب بروز شباهت‌های فراوانی در فرم و نقش ظروف فلز و آبگینه دوره سلجوقی شد. مسئله اصلی در این تحقیق، چگونگی و نحوه اجرای الگوهای هنری-بصری مانند فرم و نقش در دو گروه از آثار کاربردی با جنس متفاوت این دوره است. سؤال اصلی در این مقاله، یافتن وجوه اشتراک و افتراق "فرم" و "نقش‌مایه‌ها" در ظروف فلزی و آبگینه سلجوقی است و هدف کلی، ابتدا شناسایی کلی ویژگی‌های فرمی و نقش‌مایه‌های حاکم بر هنر دوره سلجوقی بوده و سپس، تطبیق ساختار فرم و نقش‌مایه این ظروف، جهت دستیابی به وجوه اشتراک و افتراق آثار، و در نهایت، توسعه دانش نظری در خصوص هنر دوره سلجوقی است. نوع تحقیق، توصیفی-تاریخی و تحلیل با رویکرد تطبیقی-کیفی است. جمع‌آوری اطلاعات، به روش کتابخانه‌ای و اسنادی است. جامعه آماری پژوهش، ۳۰ تصویر شامل ۱۵ اثر فلزی و ۱۵ اثر آبگینه است که به صورت هدفمند انتخاب شده و مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. نتایج نشان می‌دهند فرم ظروف فلز و آبگینه، از الگوی کاملاً مشابهی پیروی نموده است و جزئیات مشترکی دارد. وجود نقوشی چون؛ زنجیره‌های هندسی، اسلیمی، پالمت، گل شش‌پر، طاووس و خرگوش بر هر دو، نمایانگر میزان تأثیرپذیری مشترک این هنرها از الگوهای مشابه است. شاخص‌ترین وجه اشتراک در نقوش این آثار، وجود عبارت دعای خیر برای دارنده به خط کوفی است. وجود برخی افتراقات چون؛ تنوع در نقش و جزئیات در فرم ظروف فلزی همچون رنگ و شفافیت در ظروف آبگینه، شاید مولود تفاوت ماهیتی و خاصیت مکانیکی ماده سازنده بوده است.

کلیدواژه‌ها: دوره سلجوقی، ظروف فلزی، ظروف آبگینه، تطابق فرم و نقش

* این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد سیده شیما حسینی با عنوان «مطالعه تطبیقی فرم و نقش ظروف فلزی و آبگینه سلجوقی جهت کاربردی در طراحی زیورآلات تلفیقی فلز و شیشه» به راهنمایی دکتر علی وندشعاری در دانشگاه هنر اسلامی تبریز است.

shimaa.hoseini98@gmail.com

** کارشناس ارشد هنر اسلامی، دانشکده هنر صنایع، دانشگاه هنر اسلامی تبریز.

a.vandshoari@tabriziau.ac.ir

*** دانشیار، دانشکده فرش، دانشگاه هنر اسلامی تبریز (نویسنده مسئول).

مقدمه

سلجوقی، اولین حکومت ایرانی یکپارچه و قدرتمند بعد از ورود اسلام به ایران بود که تأسیس آن، پایان یافتن جنگ‌های داخلی و آشوب‌های محلی، شکل‌گیری حکومتی مقتدر، آرامش و امنیت نسبی، رفاه مالی، احیای زبان فارسی به همت فردوسی و حضور دولتمردان سیاسی ایرانی را در مناصب دولتی به همراه داشت (لمبتون، ۱۳۶۳: ۱۰). هنرمندان در این دوره، دست به ابتکاراتی نو در هر زمینه زده‌اند و این امر، تأثیر ژرفی بر تولیدات هنری از جمله ساخت ظروف فلز و آبگینه نهاده است. بخش مهم و متنوعی از آثار دوره سلجوقی، به ظروف فلز و آبگینه اختصاص دارد. این آثار، گنجینه‌ای از فرم و نقش اصیل و نماینده‌ای از یک هویت فرهنگی کامل بوده‌اند؛ علاوه بر آن، مراجع مهمی برای شناخت صنایعی همچون فلزکاری و آبگینه‌سازی برای علاقه‌مندان این حوزه به شمار می‌روند. مطالعات حاکی از آن است که فرم و نقش ظروف فلز و آبگینه سلجوقی، دارای اشتراکات قابل توجهی است؛ به‌گونه‌ای که برخی از محققان اذعان داشته که تعدادی از ظروف فلز و آبگینه در قالب‌های مشترک و با تکنیک‌های مشابه ساخته شده‌اند (گلدشتاین، ۱۳۸۷: ۱۹). احتمالاً هم‌پوشانی مکانی، فرهنگی و کاربردی در میزان تأثیرپذیری این هنرها و اشتراکات ویژه آثار، نقش به‌سزایی داشته است. هدف این پژوهش، بررسی وجوه اشتراک و افتراق فرم و نقش ظروف فلز و آبگینه سلجوقی جهت حصول شناخت بیش از پیش از هنرهای صناعی ایران‌زمین و بررسی میزان تأثیرات این دو هنر از یکدیگر است. برای شناخت الگوهای جامع هنری در دوره سلجوقی، ضروری است که مطالعات تطبیقی بین آثار متنوع هنری این دوره صورت پذیرند. در این مقاله با مطالعه اسناد کتابخانه‌ای، سایت موزه‌های معتبر در مجموع ۱۹۹ اثر فلزی و آبگینه از این دوره شناسایی شد و به علت تنوع بالای ظروف تولیدشده، موجب شد تا دسته‌بندی‌هایی بر اساس تنوع کاربرد آثار توسط نگارندگان انجام شوند و در میان آنها ۳۰ نمونه اثر شامل ۱۵ نمونه ظرف فلزی و ۱۵ نمونه ظرف آبگینه به صورت هدفمند انتخاب و از لحاظ شاکله فرمی و نقوش مشترک تجزیه و تحلیل شوند. اخذ نمونه‌ها بر اساس رویکرد پژوهش، انتخابی و معطوف به میزان فراوانی و تشابه فرم و نقش‌مایه آثار بوده است.

پیشینه پژوهش

تا کنون تحقیق نظام‌مندی در رابطه با مقایسه فرم و نقش ظروف فلز با آبگینه در سده‌های ۵ و ۶ هجری قمری صورت نگرفته است؛ تنها شاید بتوان کتاب سیدنی.ام. گلدشتاین

(۱۳۸۷) با عنوان "کارهای شیشه" را نام برد که به هم‌پوشانی و مشابهت‌های فرمی این آثار به‌طور مختصر اشاره نموده است. جیوانی کاراتولا^۱ (۲۰۱۲) نیز در کتاب "هنر تمدن اسلامی"^۲، به مشابهت فرمی بین ظروف فلز و آبگینه سلجوقی به اختصار اشاره کرده است، اما به‌طور کلی، مطالعات صورت‌گرفته در باب فرم و نقش آثار فلز و آبگینه سلجوقی به صورت مجزا و در پژوهش‌های مستقل انجام شده و یا در نهایت، با صنعت سفالگری تطبیق داده شده‌اند. ریچل وارد (۱۳۸۴) در کتاب خود با نام "فلزکاری اسلامی"، به شرح مختصری از فلزکاری دوره سلجوقی پرداخته است. رضازاده (۱۳۹۴) در کتاب خود با عنوان "فلزکاری غرب ایران در سده‌های ششم و هفتم هجری"، فلزکاری در مراکز غربی ایران در سده دوم حکومت سلجوقیان را معرفی می‌کند. آیت‌اللهی و پاکبازی (۱۳۸۲) در مقاله "فلزکاری از مکتب خراسان تا عصر مغول"، به احیای سنت‌های فلزکاری پیش از اسلام در دوره اسلامی پرداخته‌اند. خزایی و موسوی حجازی (۱۳۹۱) در مقاله‌ای تحت عنوان "زبان و بیان در فلزکاری ایران: دوره اسلامی تا حمله مغول"، استمرار، رشد و تحول هنر فلزکاری دوره اسلامی را بررسی کرده‌اند. کاربونی^۳ (۲۰۰۱) در کتاب "آبگینه در سرزمین‌های اسلامی"^۴، به تقسیم‌بندی ظروف آبگینه، بر اساس تکنیک؛ عموماً آثار محفوظ در مجموعه الصباح پرداخته و تصاویری از آثار آبگینه دوره سلجوقی را معرفی و تحلیل کرده است. خانپور و انزابی (۱۳۹۴) در مقاله "مطالعه تطبیقی نقوش آبگینه سلجوقی با فاطمیان مصر در سده پنجم و ششم هجری قمری"، وجوه تشابه و تفاوت فرم و نقش آثار آبگینه سلجوقی با فاطمیان مصر را بررسی کرده‌اند. اغلب پژوهش‌های صورت‌گرفته، به شرح و بررسی فلزکاری و آبگینه‌سازی به صورت مجزا پرداخته‌اند و در خصوص تطبیق فرم و نقش ظروف فلز و آبگینه، تحقیق منسجمی یافت نشده است؛ در صورتی که طبق مطالعات نگارندگان، این آثار از تشابه و فراوانی برخوردار بوده و این امر خود موجبات الزام تحقیق در این زمینه را فراهم آورده است. بنابراین در این پژوهش، به بررسی و تطبیق ظروف فلز و آبگینه و بیان افتراقات و اشتراکات فرم و نقش آثار پرداخته شده است.

روش پژوهش

این پژوهش از منظر هدف، به انواع تحقیق‌های بنیادین اختصاص دارد. با توجه به هدف تعیین‌شده، این داده‌ها به روش توصیفی-تاریخی بررسی شده و نیز تجزیه و تحلیل اطلاعات با رویکرد تطبیقی-کیفی انجام پذیرفته است. روش جمع‌آوری اطلاعات، به صورت کتابخانه‌ای بوده و با استناد به

طلاسازان، زرگران، مسگران، ادیبان، دانشمندان و فرهیختگان جامعه بودند و به طبقات بالای اجتماعی چون بازرگانان، تجار و یا اعضای گروه مذهبی تعلق داشتند» (وارد، ۱۳۸۴: ۲۵) و از طرف دیگر، مشتمل بر پیش‌پاافتاده‌ترین و ساده‌ترین اشیا و ظروف خانگی هستند که برای مردم تولید شده و در بازارهای محلی به فروش می‌رسیدند. آنچه روشن است این است که در دوره سلجوقی به دلایل متعددی^۱، تحولاتی در حوزه هنر شکل گرفته که منجر به افزایش سطوح تولید و تنوع بسیار شدند. از جمله خلاقیت‌های قابل ملاحظه در این دوره، ساخت ظروف طلاکوب و نقره‌کوب^۲ بود که با عنوان سبک مستقل خراسانی شهرت یافت. پیش از اسلام، خراسان یکی از مراکز عمده فلزکاری بوده و پس از آن نیز این رویه پابرجا بود (آیت‌اللهی و پاکبازی، ۱۳۸۲: ۱۴۰). در دوره سلجوقی به تدریج در هنر فلزکاری از نظر شکل و تزئینات، تغییراتی به وجود آمدند. «در سده چهارم ه.ق. بخارا به دلیل مفرغ‌کاری و رویگری، سمرقند و مرو برای مسگری، همدان برای قلع‌کاری اعلا، در سده پنجم ه.ق.؛ هرات برای نقره‌نشانی تزئینی بر روی مفرغ و برنج بسیار شهرت یافته‌اند» (کونل، ۱۳۶۸: ۸۹). علاوه بر خراسان، مراکز غربی و مرکزی نیز وجود داشته‌اند. اصفهان، گرگان و قزوین، از مراکز فعال فلزکاری در قرون ۵ و ۶ هجری بوده‌اند (رضازاده و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۸۶). در تصویر ۱ در قالب نمودار، به جمع‌بندی مراکز تولید ظروف فلزی که بر اساس سه منبع موجود در متن تنظیم شده، پرداخته شده است.

آبگینه‌سازی

هنر آبگینه‌سازی در دوره ساسانی رواج بسیاری داشته است، ولی پس از چیرگی اسلام این هنر دچار رخوت شد؛



تصویر ۱. مراکز فلزکاری ایران در دوره سلجوقی بر اساس یافته‌های آیت‌اللهی و پاکبازی، کونل، رضازاده و دیگران (نگارندگان)

منابع معتبر صورت گرفته است. جامعه آماری مورد بررسی به‌طور کل، شامل ۳۰ نمونه؛ ۱۵ نمونه ظروف فلزی و ۱۵ نمونه ظروف آبگینه است که روش اخذ نمونه‌ها انتخابی و هدفمند بوده و بر اساس رویکرد تطبیقی پژوهش، با در نظر گرفتن میزان فراوانی و تشابه فرم و نقش‌مایه آثار صورت گرفته است.

هنر فلزکاری و آبگینه‌سازی

سلاطین وقت، خود را حامی و مشوق هنر و صنعت نشان می‌دادند؛ از این‌رو، بسیاری از شاهکارهای هنری ایران در این قرن‌ها و ادوار بعد به وجود آمدند (آیت‌الله‌زاده شیرازی، ۱۳۶۲: ۱۶۶). بیشترین رسانه‌های هنری در این دوره به نمایش درآمده‌اند؛ به‌خصوص ظروف سرامیکی، کاشی‌ها، کنده‌کاری سنگ، گچ‌کاری، جواهرات، آبگینه‌سازی، فلزکاری و منسوجات؛ این اشیا از کیفیت عالی هنری برخوردار بوده و اغلب دارای کمال فنی بالایی هستند. این دوره به‌عنوان دوره رنسانس^۵ در هنر اسلامی شناخته می‌شود (نکویی، ۱۳۹۳: ۱۱۵).

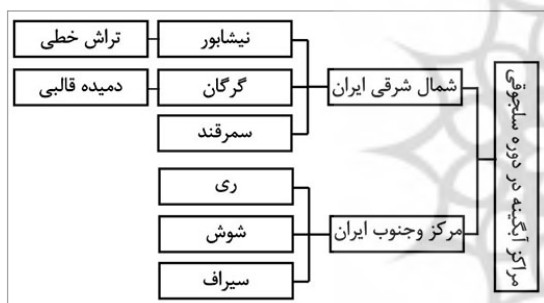
فلزکاری

با به قدرت رسیدن سلجوقیان در مشرق ایران، فلزکاری اوج و شکوفایی خود را آغاز کرد. فلزکاران در این دوره، مجموعه ظروف مفرغ و به ندرت طلا و نقره با طرح‌های تزئینی جدید ساختند که در نوع خود کم‌نظیر بودند. فلزکاری باز آن ابهت و جلال دوره ساسانی را که با ذوق و طبیعت خود سلجوقیان سازگار بود پیدا کرد و در عین حال، میل به تجدیدگرایی و جنبه‌های اسلامی را حفظ نمود؛ «هنر فلزکاری ایران در دوره سلجوقی، بازتاب جامعه‌ای است که خالق آن است، شیوه زندگی، اشتغالات فکری، آرمان‌ها و آرزوهای حامیان و فرمانروایان، همه و همه از طریق عملکرد و ارزش‌اشیای مورد استفاده آنها بیان می‌شود. با در نظر گرفتن نوع و کاربرد اشیا و طبقه‌های اجتماعی حامیان و هنرمندان آفریننده آنها، نقش‌مایه‌های رویه اشیا فلزی به واقع، نشانگر واقعیت‌های موجود در جوامعی است که در آن خلق شده‌اند» (انصاری و موسوی حجازی، ۱۳۸۱: ۶۹). روش‌های ساخت بدنه در این دوره، ادامه روش‌های قبلی هستند که به سه روش کلی دواتگری^۶، ریخته‌گری^۷ یا ترکیبی از این دو انجام شده است. ظروف فلزی در این دوره از یک طرف، شامل فاخرترین تصاویر موجود از اشیا درباری هستند که به وسیله حکام سفارش داده شده و در مراکز وابسته به پایتخت ساخته می‌شدند؛ «تزئینات پیچیده خوشنویسی و اشعار موجود بر سطوح آثار فلزی، نشانگر این حقیقت است که هنرمندان فلزکار از جمله

بر اساس نظرات دیماند و کرد میهنی پرداخته شده است.

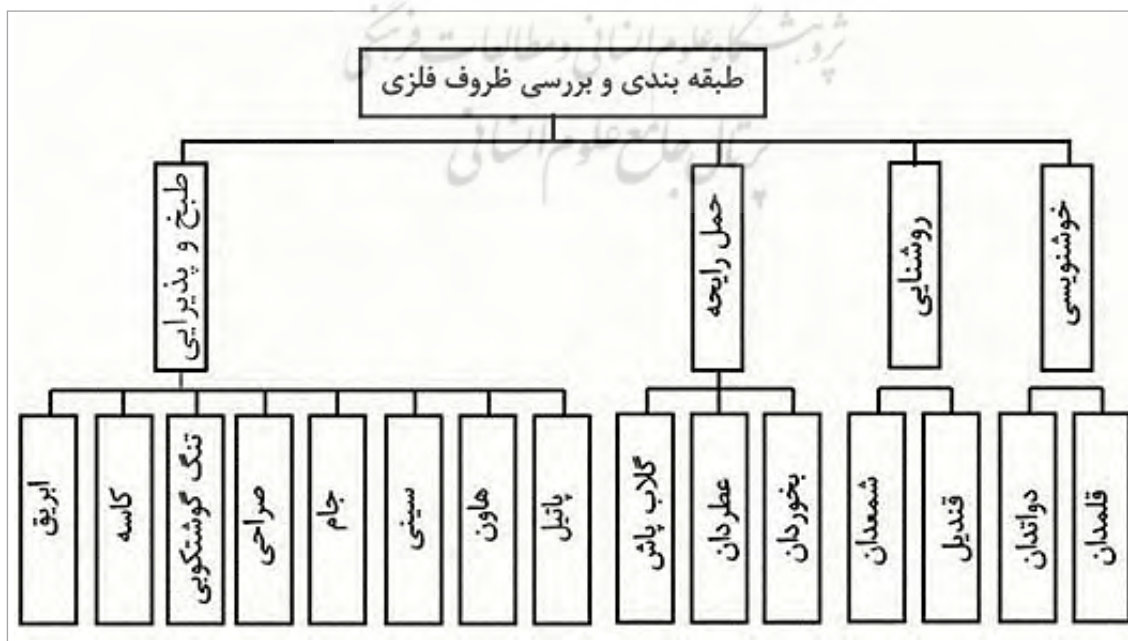
طبقه‌بندی و معرفی جامعه آماری مورد بررسی

تنوع ظروف فلزی در عصر سلجوقی فراوان بوده است و نمونه‌های آنها عبارت هستند از؛ دیگ‌های مسی، هاون‌های مفرغی، سینی‌های پایه‌دار، تنگ‌ها، بخوردان‌ها، گلاب‌پاش و ابریق، آفتابه و لگن، ظروفی برای مصارف روزمره مانند فنجان و ...، آثاری برای استفاده طبقات باسواد اعم از دوات‌دان و قلمدان‌های فلزی و شمار زیادی از ظروف متنوع و کاربردی دیگر؛ تعداد نمونه‌های یافت‌شده از منابع و سایت‌های ذکر شده، به ۱۹۹ نمونه رسید. ضمن توجه به گستردگی^{۱۱} ظروف فلزی دوره سلجوقی و جهت سهولت در انتخاب جامعه آماری پژوهش، این ظروف بررسی و بر اساس نوع کاربرد، به چهار دسته در نموداری طبقه‌بندی شدند (تصویر ۳).



تصویر ۲. مراکز ساخت ظروف آبگینه دوره سلجوقی بر اساس یافته‌های دیماند و کرد میهنی (نگارندگان)

اگرچه در سده سوم هجری در سایه حمایت حکمرانان سامانی احیا شد، اما در عصر سلجوقیان، زیبایی تنوع و تکنیک در صنعت و تولیدات آبگینه نیز مانند سایر صنایع به اوج خود رسید. «در دوران سلجوقی و تا زمان هجوم مغول، افزارها و ظرف‌های بسیار زیبای آبگینه از کوره‌های شیشه‌گری گرگان بیرون می‌آمدند که به نازکی کاغذ بوده که گاه مینایی^{۱۰} گاه تراشیده و کنده‌کاری شده بودند» (گلارک و هیراموتو، ۱۳۵۵: ۱۰۳). ساخت آثار آبگینه به دو روش صورت می‌گرفت؛ «دمیدن در قالب و دمیدن آزاد که با تحول در ساخت قالب‌ها و چند تکه ساختن آن، نقوش پیچیده و متنوع‌تری روی آثار مشاهده می‌شود» (علی‌اکبرزاده کرد میهنی، ۱۳۷۳: ۳۱). در مجموع، آثار این دوره، زاینده اختلاط با تمدن‌های بیزانس، پارت و ساسانی هستند (خانپور و انزابی، ۱۳۹۴: ۱۰۸ و ۱۰۹). «کشف شمش‌های آبگینه‌ای در کاوش‌های نیشابور، تأکیدی دیگر بر حضور کارگاه‌های شیشه‌گری این دوره در نیشابور است» (دیماند، ۱۳۸۳: ۲۳۰). کرد میهنی گردآورنده کتاب "شیشه: مجموعه مرز بازرگان"، معتقد است که سمرقند نیز از مراکز شیشه‌گری دوره سلجوقی بوده و تأثیرات بسیاری از نیشابور گرفته است. وی در کنار نیشابور، گرگان، سمرقند، ری، شوش و سیراف را نیز به‌عنوان مراکز آبگینه‌سازی معرفی نموده است. اما آنچه واضح است این است که این اماکن، شمار محدودی از آثار را به خود اختصاص داده‌اند. بیشتر آثار به‌دست آمده، تولید سمرقند، گرگان و نیشابور بوده‌اند. در تصویر ۲، به بررسی مراکز آبگینه‌سازی در دوره سلجوقی



تصویر ۳. طبقه‌بندی ظروف فلزی دوره سلجوقی بر اساس نوع کاربرد (نگارندگان)

توانایی‌ها و ویژگی‌های زیستی وی (ظفرمند، ۱۳۸۴: ۱۲-۸). قابلیت تولید و شناخت ماهیت ماده سازنده در جایگاه درست خود، به‌عنوان عاملی مؤثر در فرآیند طراحی فرم ظروف قرار می‌گیرد. هنرمند برای طراحی و ساخت ظرف مورد نظر، درک واقعی و صحیحی از مواد و روش تولید و در کل، قابلیت آن را داشته است. صنعت آبگینه و فلز، هم‌زمان با یکدیگر در یک بستر اجتماعی و در مکان‌هایی نسبتاً مجاور، به حیات و رشد خود ادامه دادند؛ روشن است که این هنرها به کارکردهای اجتماعی و اقتصادی مختلف از جمله استفاده تزئینی، ظروف کاربردی و استفاده روزمره گرایش دارند. این ظروف علاوه بر زیبایی، سند تاریخی و معرف فرهنگ دوره خود به شمار می‌روند (بهمنی، ۱۳۹۴: ۹). گاه ممکن است یک فرآیند تکنیکی، راهگشای تشابهات گونه‌شناختی فرم این آثار باشد؛ برای مثال، تنگ‌های زنگوله‌ای با گردن‌های گشادشونده در هر دو، به خراسان و صراحی‌های گردن‌بلند در اکثر موارد، به گرگان و نهاوند نسبت داده شده، ظاهراً هر دو در قالب‌هایی مشابه ریخته‌گری یا دمیده شده‌اند^{۱۳} (گلدشتاین، ۱۳۸۷: ۱۹). با نگاهی به تصاویر ۳ و ۴ می‌توان دریافت که سطح بالایی از تولید ظروف در دوره سلجوقی، به ظروف کاربردی اختصاص داشته است؛ بنابراین در میان نمونه‌های مشترک، ابریق، صراحی، تنگ‌های زنگوله‌ای، گلاب‌پاش‌ها، فنجان و جام پایه‌دار جهت بررسی فرمی انتخاب شده، سپس آنالیز خطی و جزئیات فرمی نمونه‌ها در جداول تطبیقی، تجزیه و تحلیل شده است.

ابریق

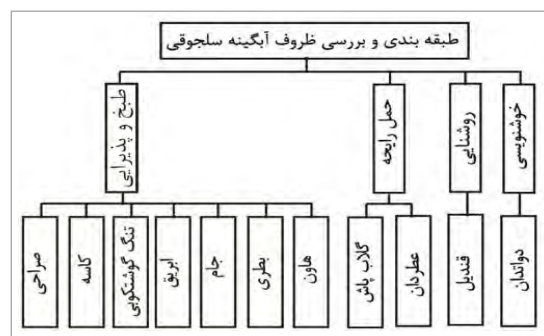
ابریق‌ها، ظروفی برای حمل و نگهداری مایعات بوده و دارای الگوی کلی یکسانی همچون؛ مخزن، گلوگاه و دسته و گاه پایه جهت سهولت در استفاده بوده‌اند. با این حال، ابریق‌ها در دوره سلجوقی، فراوانی و تنوع زیادی دارند. ابریق‌های فلز

مطابق با مطالعات انجام‌شده، بیشترین تنوع و فراوانی آثار، به مصارف طبخ و پذیرایی اختصاص داشته است، پس از آن به ترتیب می‌توان به ظروف مربوط به حمل و نگهداری رایحه‌ها، ظروف مربوط به روشنایی و در نهایت، ظروف مربوط به خوشنویسی اشاره کرد. از ظرافت و ابعاد ظروف آبگینه، شاید بتوان این احتمال را در نظر گرفت که این آثار بیشتر کاربردی تزئینی داشته‌اند^{۱۴}. صراحی‌هایی با گردن باریک و بلند، ابریق‌هایی دهانه شیپوری و منقاری، جام‌های پای‌دار و بدون پایه، گلاب‌پاش‌های مزین به تراش خطی و سطحی، قندیل‌های کوچک که به وسیله زنجیرهای ظریف به سقف مساجد و منازل و آرامگاه‌ها آویزان می‌شده و نور فتیله‌های فروزان آنها از پس آبگینه‌های رنگی، فضای محیط را جلوه می‌دادند، کاسه‌هایی با نقوش قالبی و تراش عطردان‌های بسیار ظریف، همه نشانی از تنوع فرم و البته پیشرفت صنعت آبگینه‌سازی در دوره سلجوقی داشتند (محمدزاده میانجی و چنانه، ۱۳۹۳: ۶۶). این آثار، در بسیاری از موزه‌های سراسر دنیا نگهداری می‌شوند و شهرتی جهانی برای آبگینه‌سازی ایران در دوره سلجوقی به ارمغان آورده‌اند. ظروف آبگینه نیز همچون آثار فلزی، از گستردگی بسیاری برخوردار بوده و مطابق با نمودار پیشین، بررسی و در تصویر ۴ طبقه‌بندی شدند (تصاویر ۵ تا ۱۹).

بیشترین فراوانی و تنوع نمونه‌های آبگینه نیز همانند فلز، به مصارف طبخ و پذیرایی اختصاص داشته است. در سایر تقسیم‌بندی‌ها به ترتیب می‌توان به ظروف حمل و نگهداری رایحه، ظروف مربوط به روشنایی و در نهایت، ظروف مربوط به خوشنویسی اشاره کرد. بر اساس رویکرد تطبیقی پژوهش و با توجه به تصاویر ۳ و ۴ و بررسی نمونه‌ها، تعداد ۳۰ نمونه جهت تجزیه و تحلیل بر اساس فراوانی و تشابه از میان ظروف کاربردی و ظروف حمل رایحه انتخاب و معرفی شده است. این نمونه‌ها، شامل ۱۵ اثر فلزی و ۱۵ اثر آبگینه هستند (تصاویر ۲۰ تا ۳۴).

بررسی وجوه اشتراک و افتراق فرمی ظروف فلز و آبگینه

مهم‌ترین عامل در شناسایی محصول، فرم آن است. شناخت عناصر و ساخت پیام در زبان اشیا، موجب تأثیر آنها در ایجاد ارتباط بین فرم و عملکرد و در نهایت معنی آنها می‌شود (بهمنی، ۱۳۹۲: ۶). فرم آثار کاربردی، دارای وجوه متعددی است؛ وجه عملکردی که نمایانگر ماهیت وجودی شیء یا کاربرد آن است، وجه فنی شامل تأثیر تکنیک ابزار و ماده در فرم، وجه انسانی شامل تناسب فرم با ابعاد انسان و



تصویر ۴. طبقه‌بندی ظروف آبگینه دوره سلجوقی بر اساس نوع کاربرد (نگارندگان)

تصویر ۹. صراحی نقره زراندودشده، قرون ۴ و ۵ ه.ق. (Ibid: 89)	تصویر ۸. ابریق مسی بدنه دالبری، اواخر قرن ۶ خراسان (Ibid: 98)	تصویر ۷. ابریق با آلیاژ برنز، قرن ۵، Rogers (2010: 42)	تصویر ۶. ابریق مسی، قرن ۶ خراسان (Eravsar et al, 2013: 11)	تصویر ۵. گلاب‌پاش برنزی قرن ۴ یا ۵ ه.ق.، شرق ایران: (Kuratola, 2012: 69)
تصویر ۱۴. کاسه مطلا، قرون ۵ و ۶ ه.ق.، نهاوند (URL: 1)	تصویر ۱۳. سینی نقره، قرن ۵ ه.ق. (Eravsar et al, 2013: 267)	تصویر ۱۲. ابریق گردن‌بلند برنزی، نیشابور قرون ۵ و ۶ ه.ق. (Allan, 1982: 82)	تصویر ۱۱. تنگ زنگوله‌ای برنزی، احتمالاً نیشابور قرن ۶ ه.ق. (Eravsar et al, 2013: 45)	تصویر ۱۰. گلاب‌پاش برنزی زنگوله‌ای، نیشابور قرون ۵ و ۶ ه.ق. (Kuratola, 2012: 89)
تصویر ۱۹. تنگ زنگوله‌ای سیمین، خراسان اواخر دوره سلجوقی (URL: 2)	تصویر ۱۸. فنجان برنزی، قرن ۵ ه.ق. شرق ایران (Rogers, 2010: 43)	تصویر ۱۷. کاسه برنزی، خراسان اواخر دوره سلجوقی (URL: 3)	تصویر ۱۶. جام برنزی، شرق ایران قرن ۶ ه.ق. (Kuratola, 2012: 104)	تصویر ۱۵. صراحی سیمین، قرون ۵ و ۶ ه.ق. نهاوند (URL: 2)

تصاویر ۵ تا ۱۹ معرفی جامعه آماری ظروف فلزی (نگارندگان)

تصویر ۲۴. تنگ زنگوله‌ای آبی تیره، قرون ۴ و ۵ ه.ق. (گلدشتاین، ۱۳۸۷: ۱۲۵)	تصویر ۲۳. صراحی گردن بلند سبز، احتمالاً گرگان، قرن ۵ ه.ق. (Carboni, 2001: 240)	تصویر ۲۲. ابریق بی‌رنگ، ایران یا مصر قرون ۵ و ۶ ه.ق. (همان: ۱۳۲)	تصویر ۲۱. ابریق کوچک قهوه‌ای، قرون ۵ و ۶ ه.ق. (گلدشتاین، ۱۳۸۷: ۱۴۲)	تصویر ۲۰. گلاب‌پاش آبگینه آبی تیره، شرق ایران قرن ۴ یا ۵ ه.ق. (Kuratola, 2012: 69)

				
تصویر ۲۹. کاسه برجسته، اوایل قرن ۵ ه.ق. (Carboni, 2001: 91)	تصویر ۲۸. ابریق بادنجان، ایران یا مصر قرن ۵ ه.ق. (گلدشتاین، ۱۳۸۷: ۱۳۲)	تصویر ۲۷. فنجان آبی شفاف، شرق ایران قرون ۵ و ۶ ه.ق. (Kuratola, 2012: 83)	تصویر ۲۶. ابریق گردن بلند بی‌رنگ، نیشابور قرن ۵ ه.ق. (همان: ۵۴)	تصویر ۲۵. تنگ زنگوله‌ای نیشابور قرن ۵ ه.ق. (همان: ۱۲۷)
				
تصویر ۳۴. صراحی آبی ایران یا افغانستان قرون ۵ و ۶ ه.ق. (گلدشتاین، ۱۳۸۷: ۱۴۸)	تصویر ۳۳. ابریق هشت‌وجهی قهوه‌ای قرن ۵ ه.ق.، شرق ایران (Carboni, 2001: 252)	تصویر ۳۲. صراحی سبز، ایران یا مصر قرون ۵ و ۶ ه.ق. (گلدشتاین، ۱۳۸۷: ۱۵۲)	تصویر ۳۱. جام بی‌رنگ، اوایل قرن ۵ ه.ق. (Carboni, 2001: 240)	تصویر ۳۰. کاسه دوپوست، بی‌رنگ و گلابی، قرون ۵ و ۶ ه.ق. (گلدشتاین، ۱۳۸۷: ۱۳۶)

تصاویر ۲۰ تا ۳۴. معرفی جامعه آماری ظروف آبگینه (نگارندگان)

می‌گرفته‌اند. با در نظر گرفتن منع مسکرات در دوره اسلامی، از زیبایی و ظرافت این فرم از ظروف سلجوقی می‌توان دریافت که صراحی‌ها کارکردی تشریفاتی و تزئینی داشته‌اند. این آثار، دارای الگوی مشترکی متشکل از بدنه کروی با گلوگاه بلند و ظریف، گاه با پایه یا بدون پایه بوده‌اند (تصاویر ۳۲، ۲۳، ۱۵، ۹ و ۳۴). منشأ احتمالی این ظروف، به گرگان، غرب و شمال ایران نسبت داده شده است. در جدول ۲ با بررسی جزئیات و تطبیق فرمی صراحی‌های فلز و آبگینه، می‌توان دریافت که فرم این آثار شباهت‌های فراوانی دارند و وجه افتراق این آثار را می‌توان در خاصیت تکنیکی و تفاوت ماهیتی ماده سازنده یافت. برای مثال، صراحی‌های فلزی، دارای ظرافت و پیچیدگی فراوانی هستند؛ حال آنکه نوع آبگینه آنها ساده بوده و از شفافیت و رنگ برخوردار است.

تنگ زنگوله‌ای






























پس از ابریق و صراحی، شمار زیادی از ظروف به‌دست آمده در نوع فلز و آبگینه از دوره سلجوقی، دارای فرم زنگوله‌ای هستند. در بیشتر موارد، این نوع فرم را به خراسان و به‌طور مشخص نیشابور نسبت داده‌اند. ظروف مزبور، دارای بدنه‌ای

و آبگینه، از شباهت‌های فراوانی برخوردار هستند. خالقان این ظروف گاه در رقابت و یا الهام از یکدیگر و نیز متناسب با ذائقه سفارش‌دهندگان و با توجه به ماهیت ماده که تا چه اندازه به آنان امکان خلاقیت می‌بخشیده، به اعمال خلاقیت پرداخته‌اند. برای مثال، در جامعه آماری منتخب، مخازن متنوع با فرم‌های استوانه‌ای (تصاویر ۸ و ۲۱)، چند وجهی (تصویر ۳۳)، استوانه‌ای دالبری (تصویر ۲۱)، گلابی‌شکل (تصاویر ۶، ۷، ۲۲ و ۲۸) و گاهی کروی (تصاویر ۱۲ و ۲۶) در هر دو نوع دیده می‌شوند. ابریق‌ها، گلوگاه و دهانه استوانه‌ای، منقاری، بلند و گشادشونده دارند. اکثر ابریق‌ها دارای دسته همراه با شستی^{۱۴} بوده و وجه مشترک شستی‌ها، استفاده از فرم گیاهی در طراحی آنهاست (جدول ۱). عمده تفاوتی که در این آثار می‌توان مشاهده نمود، وجود رنگ و شفافیت در آبگینه و نیز وجود ظرفیت مکانیکی فلز برای ایجاد فرم‌های پیچیده و ظریف‌تر است.











صراحی

صراحی به ظروفی اطلاق شده است که جهت حمل و نگهداری مسکرات و مایعات در مجالس مورد استفاده قرار

جدول ۱. تطبیق فرمی ابریق‌های فلز و آبگینه





















تصویر ۲۲. آنالیز فرم تصویر ۲۲				تصویر ۲۵. آنالیز فرم تصویر ۶			
							
آبگینه				فلز			
پایه		دسته		گلوگاه و دهانه		مخزن	
آبگینه	فلز	آبگینه	فلز	آبگینه	فلز	آبگینه	فلز
							
تصویر ۲۸. آنالیز فرم تصویر ۲۸				تصویر ۲۷. آنالیز فرم تصویر ۷			
							
آبگینه				فلز			
پایه		دسته		گلوگاه و دهانه		مخزن	
آبگینه	فلز	آبگینه	فلز	آبگینه	فلز	آبگینه	فلز
							
تصویر ۳۳. آنالیز فرم تصویر ۳۳				تصویر ۳۹. آنالیز فرم تصویر ۸			
							
آبگینه				فلز			
پایه		دسته		گلوگاه و دهانه		مخزن	
آبگینه	فلز	آبگینه	فلز	آبگینه	فلز	آبگینه	فلز
-							

ادامه جدول ۱. تطبیق فرمی ابریق‌های فلز و آبگینه

تصویر ۴۲. آنالیز فرم تصویر ۲۶				تصویر ۴۱. آنالیز فرم تصویر ۱۲			
		آبگینه				فلز	
پایه		دسته		گلوگاه و دهانه		مخزن	
آبگینه	فلز	آبگینه	فلز	آبگینه	فلز	آبگینه	فلز
							

(نگارندگان)

جدول ۲. آنالیز و تطبیق فرمی صراحی‌های فلزی با آبگینه

تصویر ۴۴. آنالیز فرم تصویر ۳۴				تصویر ۴۳. آنالیز فرم تصویر ۹			
		آبگینه				فلز	
پایه		گلوگاه		بدنه			
آبگینه	فلز	آبگینه	فلز	آبگینه	فلز	آبگینه	فلز
							
تصویر ۴۶. آنالیز فرم تصویر ۲۳				تصویر ۴۵. آنالیز فرم تصویر ۱۵			
		آبگینه				فلز	
پایه		گلوگاه		بدنه			
آبگینه	فلز	آبگینه	فلز	آبگینه	فلز	آبگینه	فلز
							

(نگارندگان)

و گونه‌های دیگر آن کروی شکل هستند. برای مثال، از تصویر ۱۱ با عنوان گلاب‌پاش یاد شده است که فرمی زنگوله‌ای دارد. در تصاویر ۲۰ و ۵ نیز می‌توان نوع کروی گلاب‌پاش‌های دوره سلجوقی را نظاره کرد که شباهت فرمی تنگاتنگی دارند. در تصاویر مشاهده‌شده، تنوع گلاب‌پاش‌های فلزی فراوان‌تر از نوع آبگینه آنها بوده است. در جدول ۴، آنالیز فرمی و جزئیات دو گلاب‌پاش مشابه آورده شده است.

جام پایه‌دار و فنجان








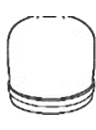








جام و فنجان، کاربردی یکسان داشته و برای نوشیدن مایعات به کار می‌رفتند و به دلیل هم‌پوشانی کاربردی، در یک گروه آورده شده‌اند. تصویر ۱۶، جامی برنزی است که به شرق ایران احتمالاً خراسان نسبت داده شده است. تصاویر به‌دست آمده و ثبت‌شده از این نوع جام، اندک هستند.

به شکل زنگوله، با انحنای شانه (تصاویر ۲۴، ۱۱ و ۱۰) و گاهی شانه زاویه‌دار هستند (تصاویر ۲۵ و ۱۹). برخی از آنها دهانه‌ای شیپوری و گشادشونده داشته (تصاویر ۲۴، ۱۱ و ۱۰)، برخی نیز در قسمت اتصال گلوگاه به لبه، تنگ و ظریف شده‌اند (تصاویر ۲۵ و ۱۹). ظروف زنگوله‌ای معمولاً فاقد پایه بوده‌اند. این نوع فرم‌ها در میان آثار آبگینه بیشتر دیده می‌شوند؛ احتمالاً سهولت و سرعت در ساخت آنها به روش قالبی و در برخی موارد دمیدن آزاد، موجبات تکثیر نوع آبگینه آنها را پدید آورده است. میزان شباهت تصویر فلز با آبگینه را در جدول ۳ می‌توان مشاهده کرد.

گلاب‌پاش

گلاب‌پاش‌ها، نوعی ظروف برای استعمال رایحه در مجالس بوده و فرم‌های متعددی داشتند؛ برخی دارای فرم زنگوله‌ای

جدول ۳. آنالیز و تطبیق فرمی ظروف زنگوله‌ای فلزی با آبگینه

تصویر ۴۸. آنالیز خطی فرم تصویر ۲۴		تصویر ۴۷. آنالیز فرم تصویر ۱۰	
			
گلوگاه		مخزن	
آبگینه	فلز	آبگینه	فلز
			
تصویر ۵۰. آنالیز فرم تصویر ۲۵		تصویر ۴۹. آنالیز فرم تصویر ۱۹	
			
گلوگاه		مخزن	
آبگینه	فلز	آبگینه	فلز
			

(نگارندگان)

الگوی مشابه در ساخت جام و فنجان‌های فلز و آبگینه دوره سلجوقی است؛ اما فرم جام آبگینه، ظریف‌تر و در نسبت با نوع فلزی، فاقد انحنای است.

این اثر، دارای فرمی متشکل از منحنی‌ها است؛ در مقابل، جام‌های ظریف پایه‌دار آبگینه از تعدد بیشتری برخوردار بوده‌اند (تصویر ۳۱). آنچه در جدول ۵ مشاهده می‌شود، وجود

جدول ۴. آنالیز و تطبیق فرمی گلاب‌پاش فلزی با آبگینه

تصویر ۵۲. آنالیز فرم تصویر ۱۹				تصویر ۵۱. آنالیز فرم تصویر ۵			
		آبگینه				آبگینه	
پایه		گلوه‌گاه		بدنه			
آبگینه	فلز	آبگینه	فلز	آبگینه	فلز		

(نگارندگان)

جدول ۵. آنالیز و تطبیق فرمی جام و فنجان‌های فلزی با آبگینه

تصویر ۵۴. آنالیز فرم تصویر ۳۱				تصویر ۵۳. آنالیز فرم تصویر ۱۶			
		آبگینه				آبگینه	
پایه		بدنه					
آبگینه	فلز	آبگینه	فلز	آبگینه	فلز		
تصویر ۵۶. آنالیز فرم تصویر ۲۷				تصویر ۵۵. آنالیز فرم تصویر ۱۸			
		آبگینه				آبگینه	
پایه		دسته		بدنه			
آبگینه	فلز	آبگینه	فلز	آبگینه	فلز		

(نگارندگان)

بررسی وجوه اشتراک و افتراق نقوش ظروف فلز و آبگینه

تزئین، یکی از بارزترین ممیزات هنر اسلامی ایران است. تزئین عبارت است از کاربرد آگاهانه نقوش به منظور پیراستن و مزین ساختن اشیا جهت ایجاد تأثیرات زیبایی‌شناسانه در طرح‌ها (انصاری و موسوی حجازی، ۱۳۸۱: ۶۹). اما تزئین، در دوره سلجوقی به اوج غنای خود دست یافت.

شیوه تزئین و دسته‌بندی نقوش ظروف فلز و آبگینه

فلزکاران سلجوقی، از روش‌های متنوعی همچون؛ ترصیع، مشبک‌کاری^{۱۵}، برجسته‌کاری^{۱۶}، حکاکی^{۱۷}، قلم‌زنی^{۱۸} و ... برای تزئین آثار بهره گرفتند (وارد، ۱۳۸۴: ۳۵)، اما وجوه خلایق هنرمندان فلزکار سلجوقی را می‌توان در آثار مرصع‌شده این دوره مشاهده نمود (تصاویر ۶ و ۸).

















شیشه‌گری دوره سلجوقی به واسطه اعتدالی تزئینات قالبی و نقوش برجسته، حائز اهمیت است (محمدزاده میانجی و چنانه، ۱۳۹۳: ۷۱). تزئین ظروف آبگینه در دوره سلجوقی، به

جدول ۶. تطبیق نقش‌مایه‌های به‌دست آمده از ظروف فلز و آبگینه

الف. تطبیق نقوش هندسی			
آبگینه	فلز	آبگینه	فلز
زنجیره‌ها- تصاویر ۲۳، ۲۴ و ۲۵	زنجیره‌ها- تصاویر ۱۷، ۱۱ و ۵	لوزی- تصویر ۲۴	لوزی- تصویر ۹
دایره و منحنی- تصویر ۳۲	مجموعه دایره- تصویر ۱۰	مجموعه دایره- تصویر ۲۱	مجموعه دایره- تصویر ۱۸
-	-		
-	-	قاب‌بندی دایره- تصویر ۲۷	قاب‌بندی دایره- تصویر ۲۱
ب. تطبیق نقوش نوشتاری			
آبگینه	فلز	آبگینه	فلز
خط کوفی- تصویر ۳۲	خط کوفی- تصویر ۱۲	خط کوفی- تصویر ۳۰	خط کوفی- تصویر ۱۴

حد اعتلا و تنوع خود رسیده بود. تراش‌های^{۱۹} بی‌نظیر خطی و سطحی و برجسته^{۲۰}، تزئینات نوشتاری به خط کوفی تزئینی و ایجاد اشکال متنوع قالبی^{۲۱}، نوارها و لکه‌های افزوده رنگی^{۲۲} بر روی آثار، نمونه‌های بارز شیوه تزئین هستند (علی‌اکبرزاده کرد میهنی، ۱۳۷۳: ۳۴-۳۱). با این حال، وجه خلایق هنرمندان شیشه‌گر سلجوقی در تکنیک‌های تزئین را نیز می‌توان در تراش‌های پرکار نیشابور مشاهده نمود.

در دوره سلجوقی، فراوانی و تنوع سلیق سفارش‌دهندگان، زمینه‌ای برای بروز خلایق و تنوع بالای نقوش تزئینی بر روی آثار را فراهم نمود. این طیف نقوش بر روی تصاویر فلزی، شامل نقوش هندسی، گیاهی، نوشتاری، جانوری و انسانی هستند. بر روی آثار آبگینه دوره سلجوقی نیز شاهد همین تنوع و تقسیم‌بندی هستیم، با این تفاوت که طبق مطالعات نگارندگان، هیچ نقوش انسانی بر روی ظروف آبگینه دوره سلجوقی مشاهده نشده است. از این‌رو ضمن حذف نقوش انسانی، در جدول ۶، آنالیز خطی و تطبیق نقوش مستخرج از جامعه آماری قرار داده شده است.

ج. تطبیق نقوش گیاهی			
آبگینه	فلز	آبگینه	فلز
			
واگیره-گلدانی تصویر ۲۲	واگیره-گلدانی تصویر ۷	اسلیمی - تصویر ۲۸	اسلیمی - تصویر ۸
			
پالمت- تصویر ۲۷	پالمت- تصاویر ۵ و ۱۱	گل شش‌پر- تصاویر ۲۶ و ۳۴	گل شش‌پر- تصاویر ۸ و ۱۶
د. تطبیق نقوش جانوری			
آبگینه	فلز	آبگینه	فلز
			
طاووس- تصویر ۲۵	هدهد- تصویر ۱۳	طاووس- تصویر ۲۳	طاووس- تصویر ۹
			
قوچ- تصویر ۲۴	بز بالدار دم‌بلند- تصویر ۲	خرگوش کوهی- تصویر ۲۵	خرگوش کوهی- تصویر ۸

(نگارندگان)

نقوش هندسی

هندسی بر روی آثار آبگینه علاوه بر کارکرد انسجام‌بخشی، بر روی شمار چشم‌گیری از نمونه‌ها نقش محوری را ایفا می‌کند، اما در اغلب نمونه‌های فلزی، صرفاً نقش شالوده‌بندی سایر نقوش را ایفا نموده و به‌عنوان تزئین لبه و پایه در کنار سایر نقوش به کار رفته‌اند.

نقوش نوشتاری

نقوش نوشتاری به‌عنوان برجسته‌ترین زبان هنر اسلامی، از سادگی، زیبایی، ظرافت و انعطاف‌پذیری خاصی برخوردار بوده‌اند؛ به‌طوری که چشم بینندگان را نوازش بخشیده و آنان را غرق در دریایی بیکران و جاودانه از خطوط موزون و هماهنگ می‌سازند (انصاری و موسوی حجازی، ۱۳۸۱: ۶۹). نقوش نوشتاری با مضامین دعای خیر برای صاحب اثر، وجه تمایز ظروف سلجوقی از آثار پیش از اسلام بوده و از جمله نقوش محوری بر روی ظروف فلز و آبگینه این دوره

نقوش هندسی در هنر اسلامی، گونه‌ای از نقوش رایج هستند که در عین برخورداری از یک شخصیت مستقل تزئینی، به‌عنوان شالوده و اساس و انسجام‌بخش سایر نقوش دیگر، نقش مهمی را ایفا می‌کنند (انصاری و موسوی حجازی، ۱۳۸۱: ۶۹). تقسیم‌بندی‌های بدنه عموماً؛ دوار، عمودی، فرم‌های دایره، لوزی، زنجیره‌های اطراف نقوش، به سایر نقوش انسجامی خاص بخشیده‌اند. با توجه به جدول ۶. بخش الف، می‌توان ادعان نمود که اشتراکاتی در کاربرد نقوش هندسی بر روی هر دو نوع تصویر وجود دارند؛ استفاده از مدالیون لوزی و دایره در تقسیم‌بندی‌ها جهت قاب‌بندی سایر نقوش، انواع زنجیره‌ها، ترکیباتی از چینش نقوش ساده هندسی با خطوط در آثار مطالعه‌شده، از وجوه تشابه این نوع نقوش بر روی هر دو هستند. وجه افتراق بارز این است که نقوش

به شمار می‌روند. هنرمندان دوره سلجوقی، از خطوط کوفی ثلث و نسخ برای تزئین آثار بهره گرفته‌اند، اما استفاده از خط کوفی تزئینی با ترکیب نقش گیاهی در دوره سلجوقی در هر دو رواج داشته است و مشابهت فراوانی را در تصاویر موجود در جدول ۶. بخش ب می‌توان مشاهده نمود. وجه تمایز آن، وجود فراوانی و تنوع بیشتر نقوش نوشتاری بر روی آثار فلزی است.

نقوش گیاهی

این نوع نقوش علاوه بر کارکرد پرکنندگی و انسجام‌بخشی که در پس‌زمینه نقوش نوشتاری و جانوری داشته‌اند، خود نیز گاهی بر روی بدنه نمونه‌های فلز و آبگینه مستقلاً حضور داشته و به شکل اسلیمی با واگیره انعکاسی، واگیره انعکاسی گلدانی، گل‌های شش‌پر^{۳۳}، پالم‌ها در هر دو مشاهده می‌شوند (جدول ۶. تصاویر بخش ج). نقوش گیاهی موجود بر آثار فلزی، از تنوع و فراوانی و همچنین سیالیت بیشتری نسبت به نقوش

گیاهی روی آثار آبگینه برخوردار هستند؛ شاید یک بررسی تکنیکی، نقش اساسی در بروز این تفاوت‌ها داشته باشد.

نقوش جانوری

از جمله نقوش به‌کار رفته مشترک بر روی هر دو نوع ظروف، می‌توان به پرندگانی چون؛ طاووس، سم‌داران ترکیبی و همچنین خرگوش کوهی اشاره کرد. نحوه قرارگیری پرندگان در تصاویر ۲۳ و ۲۵ به صورت انعکاسی با نحوه قرارگیری طاووس‌های میانه اثر در تصاویر ۹ و ۲۳، مشابهت فراوانی دارد. در تصاویر ۱۲ و ۲۹، هر دو جانور شباهت فراوانی به خرگوش کوهی دارند، اما اندکی ترکیبی می‌نمایند و در حال جهیدن هستند. با این حال طبق یافته‌ها، نقوش جانوری بر روی آثار فلزی از تنوع بالاتری نسبت به آبگینه برخوردار بوده‌اند؛ برای مثال می‌توان دید که چهار نوع از نقوش چون شیر، گریفین، مرغابی‌ها و خرگوش، از تصویر ۱۶ استخراج شده‌اند. حال آنکه در آبگینه، نقوش جانوری به صورت مجزا یا تکرار همان نقش در سطح اثر خودنمایی می‌کنند.

نتیجه‌گیری

فرم و نقش ظروف فلز و آبگینه دوره سلجوقی، از جدی‌ترین مصادیق هنر و فرهنگ این دوره بوده و نماینده هویت، خلاقیت و جنبه‌های فرهنگی عصر خویش هستند. با آنکه هر یک از این هنرها با دارا بودن ماهیت ماده و تکنیک‌های متفاوت خود، ویژگی‌های منحصربه‌فردی دارند، اما به دلایل رشد در بستر مشترک عوامل فرهنگی، آیینی و مکانی، دارای اشتراکات زیادی هستند. در راستای پاسخ‌گویی به سؤال اول در پژوهش صورت‌گرفته، باید اذعان نمود که مراکز چون؛ سمرقند، گرگان و نیشابور در تولید آثار مشترک بوده و ظروفی چون؛ صراحی، ابریق، کاسه، تنگ زنگوله‌ای، فنجان و جام، گلاب‌پاش به صورت مشترک تولید و عرضه می‌شدند؛ از این‌رو است که طراحی فرم ظروف، از الگوی مشابهی پیروی نموده است. اگرچه بخش زیادی از تشابهات فرمی، مولود تناسب فرم و عملکرد مشترک در مجموعه ظروف فلز و آبگینه آن دوره است، اما بستر مکانی و زمانی مشترک نیز می‌تواند عاملی برای مشابهت هر چه بیشتر این هنرها با یکدیگر باشد. با توجه به اطلاعات به‌دست آمده از روند پژوهش در بررسی فرم در رابطه با ابریق‌ها، فرم کروی، دالبری و گلابی‌شکل، فرم غالب در هر دو به شمار می‌رود. شستی ابریق‌ها در هر دو، متشکل از فرم گیاهی و اسلیمی است. در بررسی فرم صراحی و ظروف زنگوله‌ای نیز شاهد شباهت تنگاتنگی بین فرم مخزن و گلوگاه در این نوع ظروف بوده‌ایم. در فرم گلاب‌پاش و ظروف زنگوله‌ای نیز شباهت فراوانی حتی در جزئیات دیده شده است. در بیان افتراقات کلی فرم نمونه‌ها می‌توان متذکر شد که جزئیات فرمی آثار فلزی بیشتر بوده‌اند و این خود می‌تواند به دلیل ماهیت مکانیکی و انعطاف‌پذیری فلز باشد؛ در مقابل، آبگینه جزئیات کمتری داشته، اما از رنگ و شفافیت برخوردار است. وجوه فرهنگ اسلامی موجب شد تا بر روی تصاویر فلز و آبگینه، نوارهایی از نقوش متعدد و مشابهی چون؛ هندسی، گیاهی، نوشتاری و جانوری، شاخص و متواتر شوند. نقوش نوشتاری به خط کوفی با مضمون دعایی نقش‌بسته روی آثار فلز و آبگینه، نشان بارز روح و حیات معنوی، اعتقاد و باورهای اسلامی جامعه در دوره سلجوقی هستند. علاوه بر آن، نقوش هندسی مشترکی چون؛ لوزی، زنجیره‌ها، ترکیب خطوط منحنی و دایره‌ها در هر دو مشاهده می‌شوند. در نقوش گیاهی، جزئیاتی همچون؛ گل شش‌پر، پالم‌ها و ترکیبات

اسلیمی خودنمایی می‌کنند. همچنین در نقوش جانوری، شاهد فراوانی نقش پرنده‌گان از جمله طاووس در هر دو هستیم. ترکیب انعکاسی جانوران و نقش خرگوش، بز کوهی و قوچ به صورت مشترک بر روی آثار دیده می‌شود. وجود تشابهات فرم و نقش ظروف فلز و آبگینه، نمایانگر میزان بالای یکپارچگی و درهم‌آمیختگی هنرهای صناعی در دوره سلجوقی است.

در نهایت، پیشنهاد می‌شود در راستای تکمیل پژوهش‌های مرتبط با هنر دوره سلجوقی، به موضوع محتوا و طبقه‌بندی مفاهیم نقش مایه‌ها، بررسی فرم قندیل‌های فلز و آبگینه و نیز مطالعات تطبیقی بین دیگر هنرهای رایج و به‌جا مانده از دوره سلجوقی پرداخته شود.

پی‌نوشت

1. Giovanni Kuratola
2. Art from the Islamic Civilization
3. Stefano Carboni
4. Glass from Islami cLands
۵. مقاله نکویی با عنوان "شکوفایی هنر سلجوقی"، ترجمه مقاله ریچارد اتینگهاوزن است که در بخشی از آن، مقایسه دوره سلجوقی با دوره رنسانس، به اولگ گرابار نسبت داده شده است.
۶. ساخت ظروف فلزی به روش سرد و با ضربات چکش را دواتگری نامند.
۷. فن فرم‌دهی فلزات به روش ذوب و قالب‌ریزی.
۸. موقعیت صعودی اقتصادی که در شهرها در جریان بود، منجر به سطوح بالای تولید و تمایل به خرید کالاهای تولیدی می‌شد. البته وجود احکام اسلامی مبنی بر ساده‌زیستی، علاوه بر ایجاد تغییراتی در شکل و ماهیت بسیاری از آثار، آنها را جهت استفاده تمامی اقشار بلامانع نموده بود. نگاه کنید به مقاله مصطفی نکویی (۱۳۹۳) با عنوان "شکوفایی هنر سلجوقی".
۹. طلاکوب، نقره‌کوب یا ترصیع؛ حکاکی نقوش بر روی ظروف مس و برنج، سپس پر کردن آن با مفتول‌های طلا و نقره.
۱۰. نقاشی توسط ترکیب اکسیدهای رنگی با فریت شیشه که برای نخستین بار در دوره سلجوقی بر روی آثار آبگینه نقش بست.
۱۱. تنوع بسیار آثار به‌جای مانده از سلجوقیان، نگارندگان را ناگزیر به طبقه‌بندی آنها بر اساس نوع کاربرد نمود. این نمودار، بر اساس مشاهده و مطالعه ۱۰۹ تصویر فلزی در کتب و سایت موزه‌ها ترسیم شده است. شایان ذکر است که نمودار بررسی ظروف آبگینه نیز بر همین اساس و با مشاهده ۹۰ نمونه تنظیم شده است.
۱۲. ناصر پورپیرار مترجم کتاب "کارهای شیشه" اذعان نمود طی آزمایش‌هایی دریافته که در بسیاری از آثار آبگینه، اثری از حمل و نگهداری ماده‌ای یافت نشده است.
۱۳. مشاهدات این پژوهش حاکی از این هستند که به جز دو تصویر آثار فلز و آبگینه، سایر آثار دارای ابعاد یکسان نیستند؛ پس امکان استفاده از یک قالب برای هر دو ماده، بسیار نادر است (نگارندگان).
۱۴. شستی، زایده‌ای است بر بالای دسته که جهت سهولت در نگهداری و ارتقای عملکرد ابريق طراحی شده است.
15. Lattices
16. Bas-Relief
17. Engraving
18. Chasing
19. Cutting
20. Relief-Cut
21. Blow Moulding
۲۲. از تزئینات گرم آبگینه که به هنگام ساخت فرم، از مفتول و یا لکه‌های شیشه مذاب بر روی اثر بهره می‌گرفتند.

منابع و مأخذ

- آیت‌الله‌زاده شیرازی، باقر (۱۳۶۲). بررسی هنر فلزکاری در دوره سلجوقی. هنر و معماری، (۳)، ۱۷۹-۱۶۴.
- آیت‌اللهی، حبیب و پاکبازی، سارا (۱۳۸۲). فلزکاری از مکتب خراسان تا عصر مغول. هنر و معماری، (۲۰)، ۱۴۸-۱۳۸.

- انصاری، محبتی و موسوی حجازی، بهار (۱۳۸۱). تحلیل زیبایی‌شناسانه نقوش در فلزکاری ایران. فصلنامه مدرس هنر، ۱ (۲)، ۸۶-۶۷.
- بهمنی، پردیس (۱۳۹۲). رویکرد پایداری در طراحی اشیای کهن ایران. نشریه علمی-پژوهشی انجمن علمی معماری و شهرسازی/ایران، (۵)، ۱۳-۵.
- ----- (۱۳۹۴). مقدمه‌ای بر طرح اشیاء در هنر اسلامی ایران. چاپ اول، تهران: فخرآکیان.
- خانپور، آرزو و انزابی، نعیمه (۱۳۹۴). مطالعه تطبیقی نقوش آگینه سلجوقی با فاطمیان مصر در سده پنج و شش هجری قمری. مطالعات تطبیقی هنر، سال پنجم (۹)، ۱۲۱-۱۰۵.
- خزایی، محمد و موسوی حجازی، بهار (۱۳۹۱). زبان و بیان در فلزکاری ایران: دوره اسلامی تا حمله مغول. ماه هنر، (۱۶۵)، ۱۷-۴.
- دیماند، س.م. (۱۳۸۳). راهنمای صنایع اسلامی. ترجمه عبدالله فریار، تهران: علمی فرهنگی.
- رضازاده، طاهر (۱۳۹۴). فلزکاری غرب ایران در سده‌های ششم و هفتم هجری. چاپ اول، تهران: علمی فرهنگی کتیبه.
- رضازاده، طاهر؛ آیت‌اللهی، حبیب و مرائی، محسن (۱۳۹۴). شناسایی مراکز و ویژگی‌های فلزکاری، شمال مرکز و غرب ایران از آغاز سده ۵ ه.ق. تا حمله مغول. پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، ۵ (۸)، ۱۸۹-۱۷۹.
- ظفرمند، سید جواد (۱۳۸۴). چستی فرم در هنر. هنر و معماری، (۴)، ۱۳-۸.
- علی‌اکبرزاده کرد میهنی، هلن (۱۳۷۳). شیشه: مجموعه مرز بازرگان. تهران: موزه ملی ایران.
- کونل، ارنست (۱۳۶۸). هنر اسلامی. ترجمه هوشنگ طاهری، چاپ دوم، تهران: توس.
- گلارک، جی و هیراموتو، سومی (۱۳۵۵). سیری در صنایع دستی ایران. ترجمه یحیی ذکاء، تهران: بانک ملی.
- گلدشتاین، سیدنی.ام. (۱۳۸۷). کارهای شیشه. ترجمه ناصر پورپیرار، چاپ اول، تهران: کارنگ.
- لمبتون، آن.ک.س (۱۳۶۳). سیری در تاریخ ایران بعد از اسلام. ترجمه یعقوب آژند، تهران: امیرکبیر.
- محمدزاده میانجی، مهناز و چنانه، مهسا (۱۳۹۳). مطالعه شکل و روش ساخت آثار آگینه جرجان سده سوم تا ششم هجری. جلوه هنر، دوره جدید (۱۱)، ۸۱-۶۵.
- نکویی، مصطفی (۱۳۹۳). شکوفایی هنر سلجوقی. فصل‌نامه پارسه، سال چهاردهم (۲۲)، ۱۴۲-۱۱۳.
- وارد، ریچل (۱۳۸۴). فلزکاری اسلامی. ترجمه مهناز شایسته‌فر، چاپ اول، تهران: مؤسسه مطالعات هنر اسلامی.
- Allan, J.W. (1982). **Nishapur: Metalwork of the Early Islamic period**. New York: Metropolitan Museum of Art.
- Carboni, S.(2001). **Glass from Islamic lands**. London: Thames&Hudson.
- Eravsar, O. ; Karpuz, H. & Divarci, I. (2013). **Buyuk Selcuklu mirasi**. Istanbul: Kristal Matbaacilik San.
- Kuratola, G. (2012). **Art from the Islamic civilization**. Kuwait: Al_sabah collection.
- Rogers, J.M. (2010). **The art of islam- masterpieces from the khalili collection**. London: Thames & Hudson.
- URL 1: britishmuseum.org (access date: 2018/06/01).
- URL 2: www.jstor.org (access date: 2018/07/18).
- URL 3: furnishyourcastle.com (access date: 2018/07/15).



Received: 2020/10/28

Accepted: 2021/05/31

Comparative Study of the Form and Motif of Metal and Glassware in the 5th and 6th Centuries AH

Seyede Shima Hoseini* Ali Vandshoari **

Abstract

During the Seljuk Period, Iran witnessed a socio-political stability which resulted in the expansion of various art forms including metal and glassware. The production of utility metal dishes with a good quality received high importance. The geographical, chronological and practical overlap of these utensils led to various similarities in form and motif of metal and glassware in the Seljuk period. The main purpose of this research is to study the application of artistic-visual patterns like form and motif in two applied works with different materials of this period. The main research question seeks to find the similarities and differences in the “form” and “motifs” of Seljuk metal and glassware. Thus, the purpose of this study is to, first of all, identify the general features of forms and motifs in Seljuk metal and glassware, then, to compare the structure of the forms and motifs of these works in order to identify the similarities and differences, and, finally, to expand the theoretical knowledge about art in the Seljuk period. This research takes a qualitative approach to analytically describe the data which included 30 samples (15 metal and 15 glassware) in a purposive sampling technique adopting library research and document analysis. The results indicated the form of metal and glassware followed a totally similar pattern and share similar details. The existence of motifs such as geometric chains, Arabesque, Palmette, Hexagonal flower, peacock and rabbit in both metal and glass works reveals their mutual influence from similar patterns. The most obvious similarity is the existence of benediction phrases for the object holder in Kufic script. The differences in the variety of motifs and forms such as color and transparency may be due the natural and mechanical characteristics of the materials used.

Keywords: Seljuk period, metal ware, glassware, form and motif matching

* Masters in Islamic Art, Faculty of Islamic Art ,Tabriz Islamic Art University, Iran.

shimaa.hoseini98@gmail.com

** Associate Professor, Faculty of Carpet, Tabriz Islamic Art University, Iran(Corresponding Author).

a.vandshoari @tabriziau.ac.ir